

# تاجتاد

دو فصل نامه علمی - تخصصی  
سال اول، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۶

## وقت شرعی نماز جمعه<sup>۱</sup>

غلامرضا احسنی<sup>۲</sup>

### چکیده

وقت شرعی نماز جمعه به معنای دو رکعت نماز از دو ناحیه ابتدا و انتهای وقت نیازمند بررسی است. در مقدمه به علت اهمیت چگونگی تعبیر از نماز جمعه در روایت‌ها، تعبیرهای گوناگون بررسی و نتیجه‌گیری شده و استعمال صلاة الظهر برای نماز جمعه، مورد تردید است. در بدنه اصلی مقاله، دو بخش ابتدای وقت نماز جمعه و انتهای آن، جداگانه پی‌گیری و به واسطه اجماع و روایت‌های گوناگون، اثبات شده است که اول وقت نماز جمعه زوال خورشید است. در بحث انتهای وقت نماز جمعه نیز، بعد از بیان شش نظر - به میزان زمان خطبه‌ها و نماز جمعه، یک ساعت بعد از زوال، رسیدن سایه به اندازه جسم سایه‌دار، امتداد به میزان وقت ظهر، رسیدن سایه به دو قدم و تضييق مطلق - و بررسی جداگانه ادله هر یک از اقوال، قول به تضييق عرفی وقت نماز جمعه به علت وجود روایت‌های گوناگون دال بر تضييق و نبود شاهد واضحی بر هیچ‌یک از تضييقات بیان شده، ترجیح داده شده است.

**واژگان کلیدی:** وقت نماز جمعه، ابتدای وقت نماز جمعه، انتهای وقت نماز جمعه، زوال، تضييق عرفی.

تاجتاد

وقت شرعی نماز جمعه

تاریخ تأیید مقاله: ۹۳/۱۲/۱۰

Email: [rezaAhsani64@gmail.com](mailto:rezaAhsani64@gmail.com)

۱. تاریخ دریافت مقاله: ۹۳/۱۰/۱۲

۲. دانش‌پژوه سطح ۴ حوزه علمیه قم.

## مقدمه

نماز جمعه نماد یک فعالیت اجتماعی مستمر است که با تشکیل حکومت دینی در مدینه النبی به وسیله آن حضرت بنیان نهاده شد و بر شرکت در این فریضه سیاسی - اجتماعی پافشاری های فراوان وارد شده است؛ از جمله: «نماز جمعه تا روز قیامت فریضه است». «اگر کسی از روی ایمان و طلب رضای الاهی در نماز جمعه شرکت کند، به وی گفته می شود: عمل را از سر بگیر». «هیچ قدمی به سمت جمعه برداشته نمی شود مگر این که خداوند متعال ﷻ جسدش را بر آتش حرام می کند». «نماز جمعه حج مساکین است»<sup>۱</sup> برای کسانی که این فریضه را ترک می کنند نیز، آثار سوء گوناگونی بیان شده است؛ در برخی از روایت ها، ترک نماز جمعه در سه جمعه پیاپی از نشانه های نفاق شمرده شده است. در روایتی دیگر بیان شده است: «اگر کسی سه جمعه پیاپی نماز جمعه را بدون علت ترک کند، خداوند متعال ﷻ بر قلبش مهری می نهد» یا در بیانی دیگر آمده است: «خداوند متعال ﷻ بر قلبش مهر نفاق می نهد»<sup>۲</sup>.

بدون در نظر گرفتن شرایط و جوب این واجب سیاسی - اجتماعی در زمان غیبت - که خود یکی از موارد اختلافی بین فقیهان عظام است و اقوال و نظریه های متفاوتی از وجوب عینی شرکت در نماز جمعه با اقامه به وسیله فقیه جامع الشرایط تا احتمال حرمت برگزاری و شرکت در نماز جمعه برای اختصاص این امر به امام معصوم ﷺ بین آنان وجود دارد - مطلب دیگری که خود معرکه آرای بین فقیهان بزرگوار است، وقت شرعی نماز جمعه و خطبه های آن است.

شیخ طوسی رحمته الله در کتاب **خلاف**<sup>۳</sup> به سید مرتضی رحمته الله نسبت می دهد که وی خواندن نماز واجب در ظهر جمعه را قدری پیش از زوال جایز می دانند. این نسبت به اطلاق خود شامل نماز جمعه و نیز نماز ظهر در صورت فقد شرایط وجوب نماز جمعه می شود. در

۱. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۳۰۱؛ صدوق، الفقیه، ج ۱، ص ۴۲۷؛ همو، الأمالی، ص ۳۶۷؛ طوسی، التهذیب، ج ۳، ص ۲۳۷.

۲. برقی، المحاسن، ج ۱، ص ۸۵ ح ۲۳؛ همان، ج ۱، ص ۸۵ ح ۲۲؛ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۳۰۲.

۳. طوسی، الخلاف، ج ۱، ص ۶۲۰.

برابر عده‌ای مانند ابن‌ادریس رضی الله عنه وقت نماز جمعه را تا انتهای وقت نماز ظهر در روزهای دیگر، ممتد می‌دانند.<sup>۱</sup> آرای فقیهان عظام در خطبه‌ها نیز با هم گوناگون است. ظاهر کلام شیخ طوسی رضی الله عنه در مبسوط و نهاییه و صریح کلام ابن‌حمزه رضی الله عنه در وسیله و جوب بالارفتن خطیب از منبر برای ایراد خطبه‌ها پیش از زوال است. ظاهر کلام این دو بزرگوار نیز وجوب اتمام خطبه‌ها پیش از زوال است. البته شیخ طوسی رضی الله عنه در کتاب خلاف خطبه‌ها را پیش از زوال جایز دانسته و بر آن ادعای اجماع می‌کنند.<sup>۲</sup>

در برابر، ابن‌ادریس رضی الله عنه در سرائر خطبه‌ها را پیش از زوال جایز نمی‌دانند و آن را مقتضای اصول مذهب و عمل جمیع اصحاب اعصار می‌دانند.<sup>۳</sup> شهید اول رضی الله عنه در ذکری و جوب ایراد خطبه‌ها بعد از زوال را به معظم اصحاب نسبت می‌دهند.<sup>۴</sup> در مقاله پیش رو فقط به بررسی وقت شرعی نماز جمعه و محدوده ابتدا و انتهای آن می‌پردازیم و بحث وقت شرعی خطبه‌ها را در مقاله‌ای مستقل پی‌گیری خواهیم کرد.

پیش از ورود در بحث وقت شرعی نماز جمعه، باید نکته‌ای کلی که در بحث‌های آینده و در چگونگی استدلال اثرگذار است، بیان شود. نکته پیش گفته درباره بررسی الفاظ گوناگونی است که بر نماز جمعه اطلاق می‌شود.

### تعبیرهای نماز جمعه در شرع

در این مبحث در پی روشن شدن این نکته هستیم که آیا نماز جمعه ماهیتی جدا از نماز ظهر دارد یا همان نماز ظهر در روزهای دیگر است که به علت وجود خطبه‌ها به دو رکعت تقلیل پیدا کرده است؟ به بیانی دیگر، آیا نماز جمعه نماز واجب دیگری غیر از نمازهای یومیه است یا همان نماز ظهر اما با برخی تغییرهاست مانند تفاوتی که بین نماز حاضر و مسافر وجود دارد؟ اگر نماز جمعه ماهیتی مستقل از نماز ظهر داشته باشد و نمازی در عرض دیگر نمازهای یومیه باشد، آیا به نماز جمعه در روایات، نماز ظهر فی یوم الجمعة نیز اطلاق می‌شود؟

۱. ابن‌ادریس، السرائر، ج ۱، ص ۳۰۱.

۲. طوسی، المبسوط، ج ۱، ص ۱۵۱؛ طوسی، النهایة، ص ۱۰۵ ابن‌حمزه، الوسيلة، ص ۱۰۴؛ طوسی، الخلاف، ج ۱، ص ۶۲۰-۶۲۱.

۳. ابن‌ادریس، السرائر، ج ۱، ص ۲۹۶.

۴. شهید اول، ذکری، ج ۴، ص ۱۳۶.

همان‌گونه که روشن است نکته اصلی اثبات اطلاق صلاة الظهر بر نماز جمعه است و صرف اثبات وحدت ماهیت بدون این نکته مفید نخواهد بود؛ همان‌طور که با اثبات اطلاق، اتحاد ماهیت یا تعدد آن مضر نیست.

این پرسش از این نظر مهم است که در صورت اثبات وحدت ماهیت یا اثبات اطلاق صلاة الظهر بر نماز جمعه، می‌توان به تمام روایت‌هایی که وقت نماز ظهر را در روز جمعه بیان کرده‌اند، استدلال کرد. شاید به همین علت شیخ مفید<sup>۱</sup> در کتاب مقنعه برای اثبات وقت نماز ظهر در روز جمعه به روایتی تمسک می‌کنند که وقت نماز جمعه را بیان می‌کند. وی می‌نویسد:

پیامبر اکرم<sup>ص</sup> برای اصحابش در نماز اول خطبه می‌خواند. هنگام زوال خورشید، جبرئیل<sup>ع</sup> بر او نازل شد و فرمود: ای محمد<sup>ص</sup> وقت زوال خورشید است؛ نماز بخوان.<sup>۱</sup>

روایت مورد استدلال درباره نماز جمعه است؛ اما وی از روایت نتیجه می‌گیرد نماز ظهر در روز جمعه وقتی مضیق دارد.

محدث کلینی<sup>ع</sup> در کتاب شریف کافی، ذیل بابی به عنوان «وقت صلاة الجمعة و وقت صلاة العصر يوم الجمعة» روایت سماعه را به عنوان روایت اول باب بیان می‌کند:   
عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ<sup>ع</sup> قَالَ: وَقْتُ الظُّهْرِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ حِينَ تَزُولُ الشَّمْسُ؛   
از امام صادق<sup>ع</sup> روایت شده که فرمود: وقت ظهر روز جمعه هنگام زوال خورشید است.<sup>۲</sup>

روشن است روایت پیش‌گفته درباره نماز ظهر در روز جمعه است و اگر محدث کلینی<sup>ع</sup> ماهیت نماز ظهر و جمعه را واحد نمی‌دانست یا دست کم اطلاق نماز ظهر بر نماز جمعه را صحیح نمی‌دانست، بیان این روایت به هیچ‌وجه صحیح نبود.

### اطلاق صلاة الظهر بر نماز جمعه

این بخش را با پرسشی که مطرح شد آغاز می‌کنیم. آیا نماز جمعه ماهیتی جدا از نماز ظهر دارد یا همان نماز ظهر با برخی تغییرهاست و آیا می‌توان دست‌کم، اطلاق صلاة

۱. مفید، المقنعة، ص ۱۶۴.

۲. کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۴۲۰.

الظهر فی یوم الجمعة بر نماز جمعه را اثبات کرد؟

همان گونه که گذشت، ظاهر کلام محدث کلینی رحمه الله و شیخ مفید رحمه الله، وحدت ماهیت این دو نماز است. ظاهر کلام سیدمرتضی رحمه الله در **جمل العلم** نیز وحدت بین نماز جمعه و ظهر است. وی ذیل فصلی به عنوان «فی صلاة الجمعة و أحكامها»<sup>۱</sup> بدون بیان وقت نماز جمعه، فقط به بیان وقت نماز ظهر در روز جمعه بسنده می کنند و می نویسد:

وقت نماز ظهر روز جمعه وقت زوال شمس و وقت نماز عصر روز جمعه  
وقت نماز ظهر در سایر ایام است.

شیخ صدوق رحمه الله در کتاب **المقنع** می نویسد:

اگر نماز ظهر را روز جمعه با امام همراه بجا آوردی دو رکعت می گزاری و اگر بدون خطبه گزاردی، چهار رکعت با یک سلام بجا می آوری.<sup>۲</sup>

وی در این عبارت از نماز جمعه به عنوان نماز ظهر با امام و خطبه یاد می کنند. در روایت ها نیز می توان اشاره هایی برای وحدت ماهیت نماز جمعه و ظهر پیدا کرد. در برخی از آن ها با استفاده از لفظ جمعه، حکمی از احکام نماز ظهر بیان شده است. در صحیحہ عمر بن یزید، امام صادق رحمه الله می فرماید:

مَنْ صَلَّى الْجُمُعَةَ بِغَيْرِ الْجُمُعَةِ وَالْمُنَافِقِينَ، أَعَادَ الصَّلَاةَ فِي سَفَرٍ أَوْ حَضَرَ؛

هر کس جمعه را بدون سوره جمعه و منافقین بخواند، نماز را در سفر باشد یا حضر اعاده کند.<sup>۳</sup>

مخاطب به اعاده نماز، مصلی مسافر یا حاضری است که خود نماز جمعه را خوانده است. بی شک حتی با وجود صحت نماز جمعه از مسافر، اقامه نماز جمعه به وسیله مسافر به عنوان امام جمعه صحیح نیست؛ پس باید حکم به اعاده نماز، به نماز ظهر روز جمعه ناظر باشد.

در صحیحہ معاویه بن عمار نیز با استفاده از لفظ جمعه دو حکم بیان شده است: یکی مربوط به نماز جمعه و دیگری درباره نماز ظهر:

۱. سید مرتضی، **جمل العلم**، ص ۷۱.

۲. مفید، **المقنع**، ص ۱۴۷.

۳. کلینی، **الکافی**، ج ۳، ص ۴۲۶. سند روایت این است: علی بن ابراهیم عن ابيه عن ابن أبي عمير عن معاوية بن عمار عن عمر بن يزيد قال: قال أبو عبد الله ...

قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ فِي قُنُوتِ الْجُمُعَةِ إِذَا كَانَ إِمَامًا قَتَّ فِي الرَّكْعَةِ الْأُولَى وَإِنْ كَانَ يُصَلِّي أَرْبَعًا فَفِي الرَّكْعَةِ الثَّانِيَةِ قَبْلَ الرُّكُوعِ؛  
 از امام صادق عليه السلام شنیدم که درباره قنوت جمعه می فرمود: اگر امام باشد در رکعت اول قنوت می گیرد و اگر چهار رکعتی نماز می خواند در رکعت دوم.<sup>۱</sup>

نماز چهار رکعتی نماز ظهر است؛ اما با این حال به آن نماز جمعه اطلاق شده است. صحیحه عمر بن حنظله<sup>۲</sup> نزدیک به همین مضمون است. در این صحیحه راوی از قنوت جمعه می پرسد اما امام عليه السلام تفصیل پیش گفته در صحیحه معاویه بن عمار را می فرماید. اگر به نماز ظهر روز جمعه، «صلاة الجمعة» اطلاق نمی شد، هیچ نیازی به بیان تفصیل در پاسخ پرسش نبود؛ بلکه تفصیل، پاسخ را ناصحیح می کرد.  
 در صحیحه حلبی<sup>۳</sup> نیز راوی درباره قرائت در جمعه چنین می پرسد: «اگر به تنهایی چهار رکعت می خوانم، قرائت را جهراً انجام بدهم؟ حضرت می فرماید: بله و سوره جمعه و منافقین را در روز جمعه بخوان». باز هم در این روایت راوی به نماز ظهر روز جمعه، «صلاة الجمعة» اطلاق کرده است.  
 در چند روایت درباره حکمت دو رکعتی شدن نماز جمعه، پرسش شده یا سخن به میان آمده است. در صحیحه زراره، امام باقر عليه السلام می فرماید:

وَأَضَافَ لِلْمُقِيمِ رَكْعَتَيْنِ وَإِنَّمَا وُضِعَتِ الرَّكْعَتَانِ اللَّتَانِ أَضَافَهُمَا النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله يَوْمَ الْجُمُعَةِ لِلْمُقِيمِ لِمَكَانِ الْخُطْبَتَيْنِ مَعَ الْإِمَامِ فَمَنْ صَلَّى يَوْمَ الْجُمُعَةِ فِي غَيْرِ جَمَاعَةٍ فَلْيَصَلِّهَا أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ كَصَلَاةِ الظُّهْرِ فِي سَائِرِ الْأَيَّامِ؛

پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله برای مقیم، در نماز ظهر دو رکعت اضافه کرد و کم شدن دو رکعتی که پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله اضافه کرده اند در روز جمعه، فقط به علت وجود خطبه ها همراه امام است؛ پس هر کس نماز روز جمعه را بدون

۱. همان، ج ۳، ص ۴۲۷.

۲. علی بن ابراهیم عن محمد بن عیسی عن یونس عن أبان عن اسماعیل الجعفی عن عمر بن حنظله قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام القنوت يوم الجمعة فقال أنت رسولی إلیهم فی هذا إذا صلیتم فی جماعة ففی الركعة الأولى و إذا صلیتم وحدانا ففی الركعة الثانية قبل الركوع» (همان).

۳. کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۴۲۵.

جماعت می خواند، باید مانند نماز ظهر در دیگر روزها آن را چهار رکعتی اقامه کند.<sup>۱</sup>

در این روایت امام علیه السلام به نماز ظهر روز جمعه، نماز جمعه اطلاق کرده اند و حکمت دو رکعت شدن نماز جمعه را - با اینکه برای مقیم مقتضی چهار رکعت ماندن وجود داشته است - وجود خطبه ها همراه امام می دانند. ظاهر این تعبیر این است که نماز جمعه، همان نماز ظهر است که به علت خطبه ها تقلیل پیدا کرده است؛ زیرا یگانه نماز چهار رکعتی هنگام زوال، نماز ظهر است و اگر نماز جمعه تقلیل یافته نمازی باشد، آن نماز، نماز ظهر خواهد بود.

در صحیحه فضل بن عبدالملک نیز امام صادق علیه السلام حکمت دو رکعتی شدن نماز جمعه را وجود خطبه ها بیان می فرماید:

وَإِنَّمَا جُعِلَتْ رَكَعَتَيْنِ لِمَكَانِ الْخُطْبَتَيْنِ؛

نماز جمعه به این دلیل دو رکعت است که دو خطبه دارد.<sup>۲</sup>

این روایت با توجه به روایت زراره، باید همان گونه معنا شود.

در روایت علی بن فضل بن شاذان نیز، پرسش از علت دو رکعتی شدن نماز جمعه

وجود دارد:

فَإِنْ قَالَ فَلِمَ صَارَتْ صَلَاةُ الْجُمُعَةِ إِذَا كَانَتْ مَعَ الْإِمَامِ رَكَعَتَيْنِ وَإِذَا كَانَتْ بِغَيْرِ  
إِمَامٍ رَكَعَتَيْنِ وَرَكَعَتَيْنِ قِيلَ لِعَلِّ شَتَّى مِنْهَا أَنَّ النَّاسَ يَتَخَطَّوْنَ إِلَى الْجُمُعَةِ مِنْ بَعْدِ  
فَأَحَبَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يُخَفَّفَ عَنْهُمْ لِمَوْضِعِ التَّعَبِ الَّذِي صَارُوا إِلَيْهِ وَ مِنْهَا أَنَّ  
الْإِمَامَ يَحْبِسُهُمْ لِلْخُطْبَةِ وَ هُمْ مُنْتَظَرُونَ لِلصَّلَاةِ وَ مَنْ انْتَهَرَ الصَّلَاةَ فَهُوَ فِي صَلَاةٍ فِي  
حُكْمِ التَّمَامِ وَ مِنْهَا أَنَّ الصَّلَاةَ مَعَ الْإِمَامِ أَتَمُّ وَ أَكْمَلُ لِعَلِمِهِ وَ فَقْهِهِ وَ عَدْلِهِ وَ فَضْلِهِ  
وَ مِنْهَا أَنَّ الْجُمُعَةَ عِيدٌ وَ صَلَاةُ الْعِيدِ رَكَعَتَانِ وَ لَمْ تُقَصَّرْ لِمَكَانِ الْخُطْبَتَيْنِ؛

اگر بگویند چرا نماز جمعه با امام دو رکعت است و بدون امام چهار رکعت؟ جواب داده می شود: به علل مختلف؛ یکی این که مردم از راه دور پیاده به نماز جمعه می روند و خداوند دوست دارد بر آنان آسان گیرد به خاطر خستگی که دچارش شده اند. دیگر این که امام برای خطبه آنان را

۱. همان، ج ۳، ص ۲۷۱.

۲. طوسی، تهذیب، ج ۳، ص ۲۳۸.

نگه می‌دارد و آنان منتظر نمازند و هر کسی منتظر نماز باشد، در نمازی است که حکم نماز کامل دارد؛ دیگر این‌که نماز با امام به دلیل علم و فقه و عدالت و فضیلتش کامل‌تر است؛ دیگر اینکه جمعه عید است و نماز عید دو رکعت است و نماز به خاطر دو خطبه کمتر نمی‌شود.<sup>۱</sup>

هر چند در این معتبره،<sup>۲</sup> انتساب دو رکعتی شدن نماز جمعه به خطبه‌ها نفی شده است اما در پرسش فضل‌بن‌شاذان به نماز جمعه با امام که دو رکعتی است و نماز جمعه بدون امام که چهار رکعتی است، نماز جمعه اطلاق شده و از علت تفاوت در تعداد رکعات این دو نماز با اینکه زمان واحدی دارند، پرسیده شده است. امام علیه السلام نیز در پاسخ بدون نفی چنین اطلاقی در مقام پاسخ برآمده و علت‌های گوناگونی را بیان می‌فرماید. اگر از این روایت وحدت دو نماز اثبات نشود اما اطلاق صلاة الجمعة بر نماز ظهر ثابت می‌شود.

با توجه به روایت‌ها، دست‌کم این مطلب به دست می‌آید که به نماز ظهر روز جمعه، «صلاة الجمعة» اطلاق می‌شده است. بیان این نکته ضروری است که چگونگی اطلاق به هیچ وجه مهم نیست که آیا به علت وحدت ماهیت این دو نماز است یا به سبب وحدت در زمان انجام آن‌ها که در روز جمعه است و آیا این اطلاق حقیقی است یا مجازی؟ فقط این نکته مهم است که به نماز ظهر روز جمعه، «صلاة الجمعة» اطلاق می‌شده است. شاید اطلاق صلاة الجمعة بر نماز ظهر روز جمعه سبب این توهم شود که اطلاق «صلاة الظهر فی يوم الجمعة» بر نماز جمعه صحیح است؛ اما حتی در یک روایت نمی‌توان چنین ظهوری را نسبت به اطلاق نماز ظهر به نماز جمعه، ثابت کرد.

در نتیجه هر چند شمول لفظ صلاة الجمعة در بسیاری از روایت‌ها نسبت به نماز ظهر قابل انکار نیست اما شمول لفظ صلاة الظهر فی الجمعة نسبت به نماز جمعه نیز قابل اثبات نیست.

۱. سند این روایت چنین است: «حدثنا عبدالواحد بن محمد بن عبدوس النیسابوری العطار بنیسا بور فی شعبان سنة اثنتین و خمسين و ثلاثمائة قال حدثنی أبو الحسن علی بن محمد بن قتیبة النیسابوری قال قال أبو محمد الفضل بن شاذان النیسابوری و حدثنا الحاکم أبو محمد جعفر بن نعیم بن شاذان عن عمه أبی عبد الله محمد بن شاذان قال: قال الفضل بن شاذان». صدوق، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۱۱.

۲. عبدالواحد بن محمد بن عبدوس النیسابوری و جعفر بن نعیم بن شاذان به علت اکثر و اعتماد شیخ صدوق علیه السلام توثیق می‌شوند. علی بن محمد بن قتیبة النیسابوری نیز به علت اعتماد کشی بر وی - طبق نقل نجاشی - قابل توثیق است.



## ابتدای وقت نماز جمعه

ابتدای وقت نماز جمعه به معنای دو رکعت نماز، بعد از زوال است و نماز جمعه پیش از زوال صحیح نیست.

حکم پیش گفته به واسطه اجماع فقیهان و روایت‌های گوناگونی امری مسلم به نظر می‌آید.

نویسنده **فقه الرضا**، **علی بن بابویه**، **محدث کلینی**، **ابن ابی عقیل**، **شیخ مفید** در **مقنعه**، **سیدمرتضی** در **جمل العلم**، **ابوالصلاح حلبی**، **شیخ طوسی** در **خلاف**، **مبسوط** و **نهایه**، **ابن حمزه**، **ابن زهره**، **ابن ادریس**، **قطب‌الدین کیدری**، **محقق حلی** در **شرائع** و **معتبر**، **علامه حلی** در **تحریر**، **تذکره**، **منتهی** و **نهایه**، **شهید اول** در **بیان**، **دروس** و **ذکری**، **ابن شجاع قطان**، **محقق کرکی** در **جامع المقاصد**، **شهید ثانی** در **روضه**، **محقق اردبیلی**، **صاحب مدارک**، **سبزواری** در **کفایه**، **صاحب حدائق**، **کاشف الغطاء**، **صاحب ریاض** و **بسیاری دیگر** از فقیهان همگی بر این اتفاق دارند که ابتدای نماز جمعه بعد از زوال است.<sup>۱</sup> یگانه مخالفی که در مسئله وجود دارد، **سیدمرتضی** است. همان‌گونه که گذشت،<sup>۲</sup> **شیخ طوسی** در کتاب **خلاف** به وی نسبت می‌دهد، خواندن نماز جمعه هنگام قیام‌الشمس جایز است؛ اما نه تنها در هیچ‌یک از کتاب‌های **سیدمرتضی** چنین نظری وجود ندارد

۱. منسوب به امام رضا علیه السلام، **فقه الرضا**، ص ۱۲۸ و ۱۲۹؛ **مجموعه فتاوی ابن‌بابویه**، ص ۴۶؛ **کلینی**، **الکافی**، ج ۳، ص ۴۲۰؛ **مفید**، **المقنعه**، ص ۱۶۴. وی ابتدای نماز ظهر در روز جمعه را بیان می‌کنند اما به روایتی درباره نماز جمعه تمسک می‌کنند. **سیدمرتضی**، **جمل العلم والعمل**، ص ۷۱، وی فقط ابتدای نماز ظهر در روز را بیان می‌کنند اما به علت احتمال وحدت ماهیت بین این دو در نظر وی شمول این وقت برای نماز جمعه بسیار قوی است. **طوسی**، **الخلاف**، ج ۱، ص ۶۲۰؛ **المبسوط**، ج ۱، ص ۱۵۱؛ **النهایه**، ص ۱۰۵؛ **ابن حمزه**، **الوسيلة**، ص ۱۰۴؛ **حلبی**، **غنیة النزوع**، ص ۹۰؛ **ابن ادریس**، **السرائر**، ج ۱، ص ۲۹۶؛ **کیدری**، **اصباح الشیعة**، ص ۸۶؛ **محقق حلی**، **شرائع الإسلام**، ج ۱، ص ۸۳؛ **المعتبر**، ج ۲، ص ۲۷۵؛ **محقق حلی**، **نجم‌الدین**، **الشرعیة علی مذهب الإمامیة**، **علامه حلی**، **تحریر الأحکام**، ج ۱، ص ۲۷۱؛ **تذکره الفقهاء**، ج ۴، ص ۸؛ **منتهی المطلب**، ج ۵، ص ۳۴۵؛ **نهایة الأحکام**، ج ۲، ص ۱۰؛ **شهید اول**، **البیان**، ص ۱۸۶؛ **الدروس**، ج ۱، ص ۱۸۸، **ذکری**، ج ۴، ص ۱۳۱؛ **حلی**، **معالم‌الدین**، ج ۱، ص ۱۳۸؛ ج ۲، ص ۳۶۶؛ **اردبیلی**، **مجمع الفائدة والبرهان**، ج ۲، ص ۳۳۱؛ **کاشف الغطاء**، **کشف الغطاء**، ج ۳، ص ۲۵۵؛ **طباطبایی**، **ریاض المسائل**، ج ۳، ص ۳۰۸.

۲. در مقدمه گذشت.

بلکه ابن‌ادریس رحمته الله در سرائر از کتاب مصباح وی، مخالف این نظر را نقل می‌کنند. در **جمل العلم** نیز ذیل «فصل فی صلاة الجمعة واحكامها» وقت نماز ظهر در روز جمعه را هنگام زوال بیان می‌کند که احتمال وحدت بین نماز ظهر و نماز جمعه در نظر وی بسیار قوی است. با این اوصاف مخالفی قطعی در مسئله وجود ندارد. از نظر روایت‌ها نیز مطلب مسلم است؛ به‌طور مثال، می‌توان به صحیحہ عبد‌الله بن مسکان اشاره کرد:

عن أبي عبد الله رحمته الله قال: وَقْتُ صَلَاةِ الْجُمُعَةِ عِنْدَ الزَّوَالِ وَ وَقْتُ الْعَصْرِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَقْتُ صَلَاةِ الظُّهْرِ فِي غَيْرِ يَوْمِ الْجُمُعَةِ وَ يُسْتَحَبُّ التَّكْبِيرُ بِهَا؛  
از امام صادق رحمته الله نقل شده که فرمود: وقت نماز جمعه هنگام زوال و وقت نماز عصر در روز جمعه وقت نماز جمعه در غیر جمعه است و مستحب است صبحگاه برایش اقدام کند.<sup>۱</sup>

### انتهای وقت نماز جمعه

در کلمات قدمایی مانند نویسنده کتاب فقه‌الرضا رحمته الله و علی‌بن‌بابویه رحمته الله<sup>۲</sup> فقط از این سخن به میان آمده است که در روز جمعه هنگام زوال، فقط باید نماز واجب را خواند:  
فإذا زالت الشمس من يوم الجمعة فلا تصل إلا المكتوبة؛  
بعد از زوال روز جمعه فقط نماز واجب را اقامه کن.

ظاهر مکتوبه در این عبارت، نماز جمعه را شامل است. هر چند وی در مقام بیان عدم مطلوبیت نوافل بعد از زوال روز جمعه است اما شاید بتوان از امر به انجام نماز واجب بعد از زوال، تزییق وقت نماز جمعه را نیز استظهار کرد. شیخ مفید رحمته الله در مقنعه، فقط به بیان ابتدای وقت نماز ظهر و فقه‌الرضا، ص ۱۲۸-۱۲۹ عصر در روز جمعه بسنده کرده و به روایتی که درباره نماز جمعه است استدلال می‌کند. سیدمرتضی رحمته الله در **جمل العمل و العمل** نیز عین عبارت شیخ مفید رحمته الله را که برگرفته از روایت است تکرار می‌کنند.<sup>۳</sup> نخستین فقیهی که به صراحت انتهای وقت نماز جمعه را بیان می‌کند، ابوالصلاح حلبی در **الکافی فی**

۱. طوسی، تهذیب الأحكام، ج ۳، ص ۱۳.

۲. فقه‌الرضا، ص ۱۲۸-۱۲۹، مجموعه فتاوی‌ ابن بابویه، ص ۴۶.

۳. سید مرتضی، جمل العلم و العمل، ص ۷۱.

الفقه است. وی می‌نویسد:

اگر نماز جمعه فوت شود به این‌که از زوال خورشید به مقدار اذان و خطبه و نماز جمعه بگذرد، قضایش کافی نیست و لازم است نماز ظهر ادا شود.<sup>۱</sup> نماز جمعه در نظر وی وقتی مضیق دارد که با گذشت مقدار زمان اذان، خطبه‌ها و نماز جمعه از زوال، تمام شده است و بعد از آن باید به جای نماز جمعه، نماز ظهر را به صورت ادا اقامه کرد. شاید کلام نویسنده کتاب **فقه الرضا**، ابن بابویه، شیخ مفید و سید مرتضی در تزییق وقت نماز جمعه به دیدگاه ابوالصلاح حلبی رجوع کند. ابن ابی المجد حلبی در **اشارة السبق**<sup>۲</sup> نیز این دیدگاه را دارد.

بعد از وی شیخ طوسی با صراحت کمتری انتهای وقت نماز جمعه را بیان می‌کنند. وی در کتاب **خلاف**، ذیل مسئله ۳۹۱ که در ارتباط با دخول وقت عصر پیش از اتمام نماز جمعه است، می‌نویسد: «نماز را به صورت جمعه تمام می‌کند»؛<sup>۳</sup> سپس از شافعی، قول به تبدیل نماز جمعه به عصر و از ابوحنیفه، بطلان نماز را نقل می‌کنند. در بیان استدلال نیز هیچ اشاره‌ای به بقای وقت نماز جمعه نمی‌کنند؛ بلکه در استدلال کلامی از پیامبر اکرم که می‌فرماید: «هر نمازی را که درک کردید بخوانید و هر نمازی را که فوت شد قضا کنید»<sup>۴</sup> نقل می‌کند. وی در کتاب **مبسوط** نیز همین مسئله را مطرح و همین حکم را بیان می‌کند. در ادامه نیز دو مسئله دیگر را مطرح کرده، می‌نویسد:

اگر از وقت ظهر به اندازه دو خطبه کوتاه و دو رکعت نماز خفیف فرصت باقی باشد، نماز جمعه را انجام می‌دهد و صحیح است و اگر از وقت به میزان دو خطبه و دو رکعت باقی نمانده باشد، باید نماز ظهر را بخواند و نماز جمعه صحیح نیست؛ زیرا شرط نماز جمعه خطبه است و این شخص نمی‌تواند خطبه بخواند؛ زیرا اگر خطبه بخواند وقت را از دست می‌دهد.<sup>۵</sup>

مجموع این کلمات نشانگر این است که وقت نماز جمعه در نظر وی، همان وقت

۱. حلبی، الکافی فی الفقه، ص ۱۵۳.

۲. حلبی، اشارة السبق، ص ۹۸.

۳. طوسی، خلاف، ج ۱، ص ۶۲۱.

۴. أحمد بن حنبل، مسند، ج ۲، ص ۲۳۸.

۵. طوسی، مبسوط، ج ۱، ص ۱۴۷.

نماز ظهر در روزهای دیگر است. وی در وقت نماز نیز به دو وقت اختیاری و اضطراری قائل هستند. وقت اختیاری نماز ظهر در دیدگاه وی، رسیدن سایه شاخص به اندازه خود شاخص است.<sup>۱</sup> بعد از این زمان نماز ظهر برای غیر ذوی الاعذار، از ادا خارج و به قضا منتقل می‌شود. با این اوصاف می‌توان به شیخ طوسی<sup>۲</sup> نسبت داد که انتهای وقت نماز جمعه در دیدگاه وی، رسیدن سایه شاخص به اندازه خود شاخص است. تا زمان ابن‌ادریس<sup>۳</sup> سه قول بیان شده الف) مضیق‌بودن وقت نماز جمعه؛ ب) به میزان گذشت اذان، خطبه‌ها و نماز جمعه از زوال؛ ج) رسیدن سایه شاخص به اندازه خودش، فقط انظار متداول است اما وی در سرائر ذیل مسئله اجتماع نماز استسقا، کسوف و جمعه، می‌نویسد:

وقت نماز جمعه فوت نمی‌شود مگر از روز به اندازه چهار رکعت نماز عصر زمان باقی مانده باشد.<sup>۴</sup>

بعد از این دوره، دیدگاه شیخ طوسی<sup>۵</sup> و ابن‌ادریس<sup>۶</sup> یگانه نظرهای رایج بین فقیهان است. محقق حلی<sup>۷</sup> در سرائر و معتبر و علامه<sup>۸</sup> در تذکره، منتهی و نهایی<sup>۹</sup> نیز فوت نماز جمعه را به رسیدن سایه شاخص به اندازه خود شاخص می‌دانند. یگانه تفاوتی که بین نظر این دو بزرگوار و شیخ طوسی<sup>۱۰</sup> وجود دارد در وقت نماز ظهر است. شیخ طوسی<sup>۱۱</sup> وقت نماز جمعه را همان وقت اختیاری نماز ظهر - که رسیدن سایه شاخص به اندازه خود شاخص است - می‌داند؛ اما محقق اول<sup>۱۲</sup> و علامه<sup>۱۳</sup> وقت نماز جمعه را وقت فضیلت نماز ظهر در روزهای دیگر می‌دانند. علامه<sup>۱۴</sup> در تذکره به این مطلب تصریح کرده، می‌نویسد:

به نظر اکثر، آخر وقت جمعه آخر وقت نماز ظهر است؛ اما به نظر ما آخر وقت جمعه، آخر وقت فضیلت نماز ظهر - رسیدن سایه شاخص به اندازه خودش - است.<sup>۱۵</sup>

۱. طوسی، خلاف، ج ۱، ص ۲۵۷ و ر.ک: المبسوط، ج ۱، ص ۷۲.

۲. ابن‌ادریس، سرائر، ج ۱، ص ۳۰۱.

۳. حلی، سرائر الإسلام، ج ۱، ص ۸۳؛ المعتبر، ج ۲، ص ۲۷۵؛ علامه حلی، تذکره الفقهاء، ج ۴، ص ۹؛

منتهی المطلب، ج ۵، ص ۳۴۵؛ نهاییه الاحکام، ج ۲، ص ۱۱.

۴. همان، ج ۴، ص ۹، مسئله ۳۷۵.

شهید اول علیه السلام در بیان و دروس دیدگاه ابن‌ادریس علیه السلام را می‌پذیرد و در ذکری<sup>۱</sup> تمام انظار را مورد نقد قرار می‌دهد؛ اما به نظر ابن‌ادریس علیه السلام اشکالی وارد نمی‌کنند که نشانگر پذیرش آن است. تا زمان شهید اول علیه السلام اثری از قول به مضیق‌بودن وقت نماز جمعه به میزان گذشت یک ساعت از زوال، وجود ندارد؛ اما وی در کتاب ذکری، به جعفری این نظر را نسبت می‌دهند. بعد از وی شهید ثانی علیه السلام در روضه و مسالک<sup>۲</sup> وقت نماز جمعه را مانند نماز ظهر تا چهار رکعت پیش از اتمام زمان نماز عصر، ممتد می‌دانند. نویسندگان کتاب‌های معالم‌الدین، جامع‌المقاصد، مجمع‌الفائده و جامع عباسی<sup>۳</sup> دیدگاهی مانند شیخ‌طوسی علیه السلام دارند و زمان نماز جمعه را تا رسیدن سایه شاخص به اندازه خود شاخص می‌دانند. مجلسی اول علیه السلام در روضة المتقین و لوامع صاحبقرانی<sup>۴</sup> نظری جدید را ارائه می‌دهند که پیش از وی فقیهی به آن قائل نشده است. وی انتهای وقت نماز جمعه را رسیدن سایه به دو قدم می‌داند. مجلسی دوم علیه السلام در بحار، ملاذ الاخبار و مرآة العقول، محقق بحرانی علیه السلام در حدائق و امام خمینی علیه السلام در تحریر الوسيله چنین نظری را اختیار کرده‌اند.<sup>۵</sup>

عده‌ای مانند صاحب مدارک، سبزواری در ذخیره و کفایه و صاحب ریاض مسئله را محل اشکال دانسته، مقتضای احتیاط را مبادرت در انجام نماز جمعه بعد از زوال می‌دانند.<sup>۶</sup> میرزای قمی در غنائم، کاشف الغطاء علیه السلام سیدزیدی در عروه و محقق خویی علیه السلام نظر مشهور را پذیرفته‌اند.<sup>۷</sup>

۱. مکی عاملی، البیان، ص ۱۸۶؛ همو، الدروس، ج ۱، ص ۱۸۸، همو، ذکری الشیعة، ج ۴، ص ۱۳۳.
۲. همو، الروضة البهیة، ج ۱، ص ۶۵۷؛ همو، مسالک الأفهام، ج ۱، ص ۲۳۳.
۳. حلی، معالم‌الدین، ج ۱، ص ۱۳۸؛ کرکی، جامع‌المقاصد، ج ۲، ص ۳۶۷؛ اردبیلی، مجمع‌الفائده والبرهان، ج ۲، ص ۳۳۲؛ عاملی، جامع‌عباسی، ج ۱، ص ۵۶.
۴. مجلسی، روضة المتقین، ج ۲، ص ۷۴؛ همو، لوامع صاحبقرانی، ج ۳، ص ۱۷۶.
۵. همو، بحار الأنوار، ج ۸۶، ص ۱۷۳؛ همو، ملاذ الأخیار، ج ۴، ص ۶۶۲؛ همو، مرآة العقول، ج ۱۵، ص ۳۵۳؛ بحرانی، حدائق الناضرة، ج ۱۰، ص ۱۳۸؛ امام خمینی، تحریر السیلة، ج ۱، ص ۲۳۸.
۶. عاملی، مدارک الاحکام، ج ۴، ص ۱۳؛ سبزواری، ذخیره المعاد، ج ۲، ص ۲۹۸؛ کفایة الأحکام، ج ۱، ص ۱۰۲؛ طباطبایی، ریاض المسائل، ج ۳، ص ۳۱۱.
۷. قمی، غنائم‌الایام، ج ۲، ص ۱۶۱؛ کاشف الغطاء، کشف الغطاء، ج ۳، ص ۲۵۷؛ طباطبایی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۵۱۷؛ موسوی خویی، موسوعة الإمام الخویی، ج ۱۱، ص ۱۴۷.

مجموع انظار موجود در انتهای وقت نماز جمعه به شش نظر رجوع می‌کند:

۱. تا انتهای وقت نماز ظهر در روزهای دیگر امتداد دارد.
۲. با رسیدن سایه شاخص به اندازه خود شاخص، وقت نماز جمعه نیز پایان می‌پذیرد.
۳. برای نماز جمعه فقط به میزان گذشت اذان، خطبه‌ها و نماز جمعه از زوال فرصت است و باید بدون فاصله بعد از زوال مقدمه‌های نماز جمعه آغاز شود.
۴. نماز جمعه به میزان گذشت یک ساعت از زوال فرصت دارد.
۵. رسیدن سایه شاخص به دو قدم، انتهای وقت نماز جمعه است.
۶. وقت نماز جمعه مضیق است.

تفاوت بین قول به تضییق و زمان به میزان خطبه‌ها و نماز جمعه، در این است که برخی از قائلان قول دوم مانند فاضل نراقی رحمته‌الله زمان خاصی برای اتمام نماز بیان نداشته و می‌نویسد:

حتی اگر خطبه‌ها و نماز از حالت عادی نیز طولانی‌تر باشد، خللی در صحت نماز جمعه وارد نمی‌شود اما طبق قول اول تجاوز خطبه‌ها از حالت عادی مضر است.<sup>۱</sup>

تفاوت بین این دو قول و اقوال دیگر نیز در این است:

مطابق این دو نظر، نباید بین زوال و شروع در مقدمه‌های نماز جمعه مانند اذان، عرفاً فاصله وجود داشته باشد اما مطابق سایر انظار، وجود فاصله تا زمانی که به خروج از وقت نیانجامد، اشکالی ندارد. هر چند در این که درک تکبیرة الاحرام یا یک رکعت از نماز جمعه نیز در حکم درک وقت است، بین قائلان این انظار اختلاف وجود دارد.<sup>۲</sup> این دو قول و همچنین مضیق بودن وقت نماز جمعه به میزان یک ساعت، ارتباطی به وقت نماز ظهر در روزهای دیگر ندارند اما بنا بر نظر ابن‌ادریس رحمته‌الله و پیروان وی وقت نماز جمعه وقت اجزای نماز ظهر است. مطابق نظر شیخ طوسی رحمته‌الله وقت نماز ظهر برای

۱. نراقی، مستند الشیعة، ج ۶، ص ۱۲۲.

۲. شیخ طوسی رحمته‌الله در المسوط فی فقه الإمامیة، ورود در نماز جمعه پیش از خروج وقت را کافی در صحت می‌داند؛ (ج ۱، ص ۱۴۷)؛ اما شهید اول رحمته‌الله در البیان ادراک رکعت پیش از اتمام وقت را در صحت نماز جمعه لازم می‌داند؛ (ص ۱۸۷).

غیر ذوی‌الاعذار، وقت نماز جمعه است. در دیدگاه علامه رحمته‌الله و موافقین وی، وقت نماز جمعه وقت فضیلت نماز ظهر در روزهای دیگر است و طبق قول مجلسی رحمته‌الله و مدافعان وی، ابتدای وقت فضیلت نماز ظهر انتهای وقت نماز جمعه است. اکنون مهم‌ترین ادله هر یک از این اقوال را جداگانه بیان کرده و در جمع‌بندی نهایی، مختار در مسئله را بیان خواهیم کرد.

### ۱. وقت به میزان خطبه‌ها و نماز جمعه است بعد از زوال

به جز ابوالصلاح حلبی و ابن‌ابی‌المجد حلبی، فاضل نراقی رحمته‌الله در مستند<sup>۱</sup> نیز این نظر را دارد. دلیل این بزرگان روایت‌های متعددی است که وقت نماز جمعه را مضیق دانسته‌اند. در برخی روایت‌های ابتدای وقت ظهر در روز جمعه هنگام زوال بیان شده است؛ مانند صحیح‌ه اسماعیل‌بن‌عبد‌الخالق:

قال: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ رحمته‌الله عَنِ وَقْتِ الظُّهْرِ قَالَ بَعْدَ الزَّوَالِ بِقَدَمٍ أَوْ نَحْوِ ذَلِكَ إِلَّا فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ أَوْ فِي السَّفَرِ فَإِنَّ وَقْتَهَا حِينَ تَزُولُ الشَّمْسُ؛

راوی می‌گوید: از امام صادق رحمته‌الله درباره وقت ظهر پرسیدم. فرمود بعد از زوال به اندازه یک قدم از سایه شاخص یا به اندازه آن جز روز جمعه یا در مسافرت که وقت آن هنگام زوال شمس است.<sup>۲</sup>

روایت مسموع نیز به همین مضمون است.<sup>۳</sup>

در پاره‌ای دیگر از روایت‌ها، وقت نماز موسع شمرده شده است که گاهی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آن را در ابتدای وقت اقامه می‌فرمود و گاهی آن را به تأخیر می‌انداخت اما وقت نماز جمعه مضیق است و یک وقت-که همان هنگام زوال می‌باشد- بیشتر ندارد؛ مانند صحیح‌ه زراره:

عنه (حسین بن سعید) عن ابن أبي عمير عن عمر بن أذينة عن زرارة قَالَ سَمِعْتُ أَبَا

۱. نراقی، مستند الشیعه، ج ۶، ص ۱۲۷.

۲. طوسی، تهذیب، ج ۲، ص ۲۱؛ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۳۱۷.

۳. «و عن علی بن محمد عن سهل بن زیاد عن محمد بن حسن بن شمون عن عبدالله بن قاسم عن مسمع أبي سيار قال: سألت أبا عبد الله رحمته‌الله عن وقت الظهر في يوم الجمعة في السفر فقال عند زوال الشمس و ذلك وقتها يوم الجمعة في غير السفر»؛ کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۴۳۱؛ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۳۱۶.

جَعْفَرٌ يَقُولُ إِنَّ مِنْ الْأُمُورِ أُمُورًا مُضَيِّقَةً وَأُمُورًا مُوسَّعَةً وَإِنَّ الْوَقْتَ وَقْتَانِ الصَّلَاةُ مِمَّا فِيهِ السَّعَةُ فَرُبَّمَا عَجَّلَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَرُبَّمَا أَخَّرَ إِلَّا صَلَاةَ الْجُمُعَةِ فَإِنَّ صَلَاةَ الْجُمُعَةِ مِنَ الْأَمْرِ الْمُضَيِّقِ إِنَّمَا لَهَا وَقْتُ وَاحِدٌ حِينَ تَزُولُ وَوَقْتُ الْعَصْرِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَقْتُ الظُّهْرِ فِي سَائِرِ الْأَيَّامِ؛

زراره می‌گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم می‌فرماید: بعضی از امور مضیق و بعضی دیگر موسع هستند. وقت عبادت دو گونه وقت است که نماز از موارد موسع آن است که رسول خدا گاهی تعجیل می‌فرمود و گاهی به تأخیر می‌انداخت جز نماز جمعه که از امور مضیق است و فقط یک وقت دارد و آن هنگام زوال است و وقت نماز عصر روز جمعه وقت نماز ظهر در سایر ایام است.<sup>۱</sup>

در روایت فضیل بن یسار<sup>۲</sup> و صحیححه عبدالاعلی بن اعین - که در محاسن برقی نقل شده است<sup>۳</sup> - نیز وقت نماز جمعه مضیق شمرده شده است.

در صحیححه عبدالله بن سنان، از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در ظل اول خطبه‌ها را ایراد می‌فرمود و بعد از زوال جبرئیل علیه السلام نازل شد و به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عرض کرد: زوال شد، نماز را بخوان. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز نماز را هنگامی که سایه به اندازه شراک می‌شد، اقامه می‌فرمود.<sup>۴</sup>

«شراک» در لغت به معنای بند کفش<sup>۵</sup> آمده و مراد از قدر شراک در روایت، عرض شراک است که کنایه از کمترین سایه ممکن است که با آن، علم به تحقق زوال پدید می‌آید. اگر تأخیر زیاد نماز جمعه از زوال جایز بود، نزول جبرئیل علیه السلام برای یادآوری وقت وجهی نداشت.

در برخی از روایت‌ها، وقت نماز جمعه زوال شمس بیان شده است. برای این

۱. طوسی، تهذیب، ج ۳، ص ۱۳؛ حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۷، ص ۳۱۶.

۲. کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۲۷۴.

۳. برقی، المحاسن، ج ۲، ص ۲۹۹؛ حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۷، ص ۳۲۰.

۴. طوسی، تهذیب، ج ۳، ص ۱۲؛ حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۷، ص ۳۱۶. در ظاهر مراد از ظل اول سایه ای است که در طرف مغرب پدید می‌آید - که در بحث از وقت خطبه‌ها مفصل صحبت خواهد شد - و کنایه از ایراد خطبه‌ها پیش از زوال است.

۵. «النعل سیرها الذی علی ظهر القدم» (فیومی، المصباح المنیر، ج ۲، ص ۳۱۱ (شراک))؛ الشراک - ج شُرک و شُرک: بند کفش، گیاه و علف (بستانی، فرهنگ ابجدی، ص ۵۲۲).



روایت‌ها می‌توان به صحیحہ عبد‌الله بن مسکان اشاره کرد:

و عنه (حسین بن سعید) عن النضر عن ابن مسکان عن أبي عبد الله عليه السلام قال: قال: وَقْتُ صَلَاةِ الْجُمُعَةِ عِنْدَ الزَّوَالِ وَ وَقْتُ الْعَصْرِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَقْتُ صَلَاةِ الظُّهْرِ فِي غَيْرِ يَوْمِ الْجُمُعَةِ وَ يُسْتَحَبُّ التَّبَكُّيرُ بِهَا؛

امام صادق عليه السلام فرمود: وقت نماز جمعه هنگام زوال است و وقت نماز عصر روز جمعه وقت نماز ظهر در غیر روز جمعه است و مستحب است صبحگاهان اقدام به اقامه نماز جمعه کند.<sup>۱</sup>

صحیحہ حلبی که در فقیه نقل شده نیز به همین مضمون است.<sup>۲</sup>

در روایت اسماعیل بن عبد‌الخالق که شیخ طوسی رحمته الله در مصباح المتعبد نقل می‌کند، امام

صادق عليه السلام می‌فرماید:

جَعَلَ لِكُلِّ صَلَاةٍ وَقْتَيْنِ إِلَّا الْجُمُعَةَ فِي السَّفَرِ وَ الْحَضَرِ فَإِنَّهُ قَالَ وَقْتُهَا إِذَا زَالَتِ الشَّمْسُ؛

خداوند متعال جل جلاله برای هر نمازی دو وقت قرار داده است مگر نماز جمعه که وقت آن در سفر و حضر هنگام زوال است.<sup>۳</sup>

ظاهر این روایت نفی دو وقت اختیاری و اضطراری نماز، برای نماز در روز جمعه است که به قرینه سفر و حضر در روایت شامل نماز جمعه و ظهر است؛ پس وقت نماز جمعه، مضیق است البته باید درباره تزییقی که درباره نماز ظهر در روز جمعه نیز استفاده می‌شود، توجیهی صورت گیرد اما در ظهور آن نسبت به نماز جمعه اثرگذار نیست.

در صحیحہ ابن‌ابی عمیر و حریر <sup>۴</sup> حضرت عليه السلام می‌فرماید:

با زوال روز جمعه فریضه را آغاز کرده، نوافل را بعد از نماز واجب انجام

می‌دهم.

در صحیحہ عبد‌الله بن عجلان <sup>۵</sup> و محمد بن مسلم، <sup>۱</sup> امام باقر و امام صادق عليه السلام می‌فرمایند:

۱. طوسی، تهذیب، ج ۳، ص ۱۳؛ حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۷، ص ۳۱۷.

۲. صدوق، الفقیه، ج ۱، ص ۴۱۶؛ حرّ عاملی، وسائل، ج ۷، ص ۳۱۸.

۳. طوسی، مصباح المتعبد، ج ۱، ص ۳۶۴؛ حرّ عاملی، وسائل، ج ۷، ص ۳۱۹.

۴. طوسی، تهذیب، ج ۳، ص ۱۲؛ حرّ عاملی، وسائل، ج ۷، ص ۳۱۷؛ طوسی، مصباح، ج ۱، ص ۳۶۴؛ حرّ عاملی، وسائل، ج ۷، ص ۳۲۰.

۵. کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۴۲۸؛ طوسی، تهذیب، ج ۳، ص ۱۲؛ حرّ عاملی، وسائل، ج ۷، ص ۳۱۸ با تغییر.

هر گاه خورشید زوال کرد، نماز واجب را بخوان و اگر دو رکعت نافله را انجام نداده‌ای آن را به بعد از نماز واگذار کن.

امر به تأخیر نوافل در روز جمعه و سرعت در انجام نماز واجب، ظهور در تضییق وقت نماز واجب ظهر جمعه دارد، همان‌گونه که اطلاق فریضه نماز جمعه را نیز شامل است. این روایت‌های هم دلیل قول به تضییق و هم دلیل قول *ابی‌الصلاح* است. در تقریب استدلال برای قول *ابوالصلاح*، *فاضل نراقی* رحمته‌الله در *مستند می‌نویسد*: «فإن التضييق لا يكون إلا مع مساواة الوقت للفعل»<sup>۲</sup>. معنای تضییق مساوی‌بودن وقت نماز با انجام نماز است که نتیجه آن، وقت به میزان انجام نماز جمعه، خطبه‌ها و مقدمه‌های آن مانند اذان است.

#### بررسی

روایت‌های بیان‌شده را می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد:

۱. روایت‌هایی که ابتدای نماز ظهر در روز جمعه را وقت زوال بیان کرده‌اند؛ مانند صحیح *اسماعیل بن عبدالمخالد*.

۲. روایت‌هایی که وقت نماز جمعه را مضیق بیان کرده و فعل پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را در اقامه نماز جمعه نقل می‌کنند؛ مانند صحیح *زراره* و *عبدالله بن سنان*.

۳. روایت‌هایی که وقت نماز جمعه را عندالزوال بیان کرده است؛ مانند صحیح *عبدالله بن مسکان*.

۴. روایت‌هایی که به ترک نماز مستحبی و به انجام نماز فریضه، بعد از زوال روز جمعه امر می‌کنند یا حضرت صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فعل خود در روز جمعه را نقل می‌فرماید؛ مانند صحیح *محمد بن مسلم* و *ابن‌ابی‌عمیر*.

دسته اول مربوط به نماز ظهر است و در بحث تعبیرها از نماز جمعه بیان شد، نمی‌توان شمول آن نسبت به نماز جمعه را ثابت کرد. نهایت ظهور دسته سوم در بیان وقت ابتدایی نماز جمعه است و از بیان انتهای وقت ساکت است. دسته چهارم نیز مواردی که از فعل حضرت صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم

۱. طوسی، مصباح، ج ۱، ص ۳۶۴؛ حرّ عاملی، وسائل، ج ۷، ص ۳۱۹.

۲. نراقی، مستند الشیعه، ج ۶، ص ۱۲۳.

خبر می‌دهد؛ چون مسلم است که امام علیه السلام امام جمعه نبوده‌اند تا آغاز نماز جمعه در اختیار وی باشد، حتی در روایت زراره که بیان خواهد شد، حضرت علیه السلام با وجود تحریض اصحاب بر نماز جمعه خود را مورد نظر انجام نماز جمعه نمی‌دانسته‌اند، فقط درباره نماز ظهر در روز جمعه است و این که در روز جمعه هنگام زوال - مانند روزهای دیگر - انجام نوافل و تأخیر نماز به میزان انجام این نوافل از ابتدای وقت مستحب نیست. در مواردی که امر به شروع نماز به اصحاب می‌کنند نیز ظهور بیش از عدم مطلوبیت نوافل هنگام زوال را نمی‌توان ثابت کرد اما ظهور دسته دوم در تضییق وقت نماز جمعه به هیچ‌وجه قابل انکار نیست.

## ۲. وقت به میزان یک ساعت بعد از زوال

این نظر فقط به جعفی نسبت داده شده و قائل دیگری به آن در قدما و متأخرین دیده نشده است. آیات عظام اراکی علیه السلام در *المسائل الواضحة* و روحانی در *فقه الصادق از معاصران این نظر را اختیار کرده‌اند.<sup>۱</sup> به نظر می‌رسد مراد این بزرگواران از ساعت یک دوازدهم روز است - که در طول سال با توجه به طولانی یا کوتاه‌بودن روز تفاوت پیدا می‌کند<sup>۲</sup> - و به‌طور قطع مراد آنان از ساعت، ساعت معهود در زمان ما نیست.*

دلیل این قول از یک سو، روایت‌های متعددی است که وقت نماز جمعه را مضیق دانسته و از سوی دیگر روایتی خاص از امام باقر علیه السلام است که در فقیه به‌صورت مرسل و در *مصباح المتجهد* از حریر از زراره نقل شده است.<sup>۳</sup> امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

اول وقت جمعه هنگام زوال خورشید تا گذشت ساعتی است؛ پس بر آن محافظت نما؛ زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: بنده‌ای در این زمان از خداوند متعال جل جلاله خیری را درخواست نمی‌کند مگر خداوند متعال جل جلاله به وی می‌بخشد.<sup>۴</sup>

۱. اراکی، *المسائل الواضحة*، ج ۱، ص ۲۵۸؛ روحانی، *فقه الصادق*، ج ۵، ص ۱۵۱.

۲. حضرت استاد آیت‌الله العظمی شبیری زنجانی به استعمال این معنا تصریح دارند: «هر چند معنای رایج ساعت، قطعه من الزمان است اما معنای دیگری نیز دارد که یک دوازدهم روز یا شب است و به این معنا نیز در روایت‌ها اطلاق شده است»؛ شبیری زنجانی، *کتاب نکاح*، ج ۱۹، ص ۶۱۷۱.

۳. صدوق، *الفقیه*، ج ۱، ص ۴۱۴؛ طوسی، *مصباح*، ج ۱، ص ۳۶۴.

۴. «و قال أبو جعفر علیه السلام أول وقت الجمعة ساعة تزول الشمس إلى أن تمضي ساعة فحافظ عليها فإن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم قال لا يسأل الله عز و جل عبد فيها خيرا إلا أعطاه» (صدوق، *محمد بن علی بن بابویه*، من لا يحضره

هر چند روایت در فقیه مرسل و فاقد اعتبار است اما روایت در **مصباح المتهدجد** قابل تصحیح است. در **مصباح المتهدجد** شیخ طوسی<sup>۱</sup> روایت را از حریر نقل می‌کند و وی در کتاب **فهرست** به روایت های حریر سه طریق صحیح دارند که با ضمیمه این طرق به روایت **مصباح المتهدجد**، می‌توان حکم به صحت روایت کرد. سه طریق بیان شده در **فهرست** به این قرار است:

أخبرنا بروایته الشيخ أبو عبدالله محمد بن محمد بن نعمان عن جعفر بن محمد بن قولويه عن أبي القاسم جعفر بن محمد العلوي الموسوي عن ابن هنيك عن ابن أبي عمير عن حماد عن حرير.

و أخبرنا عدة من أصحابنا، عن محمد بن علي بن حسين عن أبيه عن سعد بن عبدالله و عبدالله بن جعفر و محمد بن يحيى و أحمد بن إدريس و علي بن موسى بن جعفر كلهم، عن أحمد بن محمد عن حسين بن سعيد و علي بن حديد و عبدالرحمن بن أبي نجران، عن حماد بن عيسى الجهني، عن حرير.

و أخبرنا حسين بن عبدالله عن أبي محمد حسن بن حمزة العلوي عن علي بن إبراهيم، عن أبيه عن حماد عن حرير.<sup>۱</sup>

محقق خویی<sup>۲</sup> نیز در همین مبحث با توجه به طرق **فهرست** روایت حریر در **مصباح المتهدجد** را صحیح دانسته‌اند که به نظر می‌رسد، حق با وی است و اشکال به این که، نمی‌توان ثابت کرد روایت حریر از کتاب وی باشد، جایگاهی ندارد؛ زیرا حتی اگر نتوان اثبات کرد روایت از کتاب حریر است، با این حال چون شیخ<sup>۳</sup> طرق به روایت های حریر را بیان می‌کند نه به کتاب های وی، به طور قطع نظارت به کتابی روایی مانند **مصباح المتهدجد** نیز دارند و این طرق شامل روایت مورد بحث ما نیز می‌شود.

### بررسی

استدلال به این روایت برای اثبات قول حلبی، به سه وجه صحیح نیست:

۱. اجمال ساعة: «ساعة» به سه معنای نفس زمان،<sup>۲</sup> برهه‌ای از زمان<sup>۱</sup> و یک بیست و

الفقیه، ج ۱، ص ۴۱۴؛ حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۳۱۸.

۱. طوسی، محمد بن حسن، **فهرست**، ص ۶۳.

۲. مانند ساعه اول در همین روایت زراره.

چهارم روز به کار می‌رود.<sup>۲</sup> معنای اول در روایت مراد نیست؛ اما نمی‌توان معنای سوم را بر معنای دوم ترجیح داد. هر چند محقق خویی<sup>۳</sup> مدعی آن است که «ساعة» در روایت به معنای جزئی از زمان است و معنای سوم در زمان صدور روایت‌ها معهود نبوده است.<sup>۳</sup>

۲. بیان وقت فضیلت: روایت به دو علت ظاهر در بیان وقت فضیلت نماز است. کلمه اول وقت الجمعة به ضمیمه امر به محافظت: در ظاهر مجموع زمان بیان شده در روایت، وقت اول جمعه (وقت فضیلت) است نه ابتدای وقت به تنهایی. محقق خویی<sup>۴</sup> نیز ظاهر روایت را به قرینه اول وقت الجمعة و وجود دو وقت برای هر نمازی، بیان وقت اول یا همان فضیلت دانسته‌اند.

فان رسول الله ﷺ تا آخر حدیث: این فراز از روایت برای بیان علت محافظت بر این زمان در نماز جمعه است. جمع بین بیان چنین علتی که فقط حسن محافظت بر وقت را بیان می‌کند و اراده و جوب در صدر خلاف ظاهر است.

۳. روایت درباره نماز ظهر است: جمع بین چند نکته، ثابت می‌کند روایت در مقام بیان وقت فضیلت نماز ظهر در روز جمعه است:

## تأجتها

الف) اطلاق صلاة الجمعة در روایت‌های متعدد بر نماز ظهر روز جمعه که در بررسی ماهیت نماز جمعه به تعدادی از آن‌ها اشاره شد.

ب) در مقام بیان وقت فضیلت بودن روایت که با دو امر ثابت شد.

ج) وجود روایت‌های متعدد دال بر تضييق وقت نماز جمعه که با فرض دلالت روایت بر وقت فضیلت، وقت اجزای نماز جمعه مضیق نخواهد بود و این با تضييق وقت نماز جمعه منافات دارد.

۱. مانند این روایت: «علی عن محمد بن عیسی عن ابي عبد الله المؤمن عن ابي هراسة عن ابي جعفر<sup>۱</sup> قال: لو أن الإمام

رفع من الأرض ساعة لماجت بأهلها كما يموج البحر بأهله»؛ کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۷۹.

۲. «و الساعة في الأصل تطلق بمعنيين: أحدهما أن تكون عبارة عن جزء من أربعة وعشرين جزءاً هي مجموع اليوم واللييلة؛ والثاني أن تكون عبارة عن جزء قليل من النهار أو الليل. يقال جلست عندك ساعة من النهار: أي وقتاً

قليلاً منه، ثم استعير لاسم يوم القيامة»؛ ابن اثیر جزری، النهاية، ج ۲، ص ۴۲۲.

۳. موسوی خویی، موسوعة الإمام الخویی، ج ۱۱، ص ۱۴۳.

۴. همان، ج ۱۱، ص ۱۴۴.

د) وجود سیره بین اصحاب بر شرکت نکردن به صورت مداوم در نماز جمعه‌ای که اهل سنت اقامه می‌کرده‌اند و نیز وجود سیره و عدم امکان اقامه نماز جمعه به وسیله خود شیعیان به صورت مداوم در حالی که این با امر به مداوت و محافظت که با توجه به عمل اصحاب مقصود ائمه علیهم‌السلام نبوده است، منافات دارد.

ائمه علیهم‌السلام نیز با تأیید ضمنی این سیره، از ترک نماز جمعه به صورت کلی به شدت نهی و بر اقامه آن تحریض فرموده‌اند؛ به طور مثال، امام باقر علیه‌السلام به عبدالملک بن اعین می‌فرماید: مثل تو هلاک می‌شود؛ در حالی که فریضه‌ای را که خداوند متعال جل جلاله واجب کرده است انجام نداده است. راوی می‌گوید: چه کنم؟ حضرت فرمود: نماز جمعه بخوانید.<sup>۱</sup>

در روایت دیگری زراره می‌گوید:

امام صادق علیه‌السلام چنان ما را بر نماز جمعه تحریض کرد که گمان کردم می‌خواهد برای نماز جمعه نزد وی برویم. گفتم: فردا خدمت می‌رسیم. حضرت فرمود: قصد من بین خودتان بود.<sup>۲</sup>

مجموع این نکته‌ها، روایت را ظاهر در بیان وقت فضیلت نماز ظهر در روز جمعه می‌کند.

### ۳. وقت به میزان رسیدن سایه به اندازه جسم سایه‌دار

محقق حلی رحمته‌الله در معتبر قول پیش گفته را به اکثر اهل علم و علامه علیهم‌السلام در تذکره به اکثر نسبت می‌دهند.<sup>۳</sup> شهید ثانی رحمته‌الله در مسالک<sup>۴</sup> این قول را مشهور اما مستند آن را غیر واضح می‌دانند. صاحبان ریاض و غنائم<sup>۵</sup> نیز این قول را مشهور می‌دانند. در مفتاح الکرامه<sup>۶</sup> از کتاب منتهی علامه رحمته‌الله اجماع را نقل می‌کند. دلیل اول بر این قول، همین اجماع علامه رحمته‌الله در منتهی است. نویسندگان مدارک، ذخیره، بحار، مرآة العقول، حدائق و غنائم<sup>۷</sup> نیز ادعای

۱. طوسی، تهذیب، ج ۳، ص ۲۳۹.

۲. همان.

۳. محقق حلی، المعبر، ج ۲، ص ۲۷۵؛ علامه حلی، تذکره الفقهاء، ج ۴، ص ۹.

۴. عاملی زین الدین، مسالک الافهام، ج ۱، ص ۲۳۳.

۵. طباطبایی، ریاض المسائل، ج ۳، ص ۳۰۸؛ میرزای قمی، غنائم الأيام، ج ۲، ص ۱۶۱.

۶. ج ۸، ص ۱۷۴.

۷. عاملی، مدارک، ج ۴، ص ۱۲؛ سبزواری، ذخیره، ج ۲، ص ۲۹۸؛ مجلسی، بحار، ج ۸۶، ص ۱۷۱؛ مرآة

العقول، ج ۱۵، ص ۳۵۳؛ بحرانی، الحدائق، ج ۱۰، ص ۱۳۴؛ میرزای قمی، غنائم، ج ۲، ص ۱۶۱.

اجماع را از کلام علامه رحمته الله استظهار کرده‌اند.

محقق خوئی رحمته الله این قول را مشهور و از غیر واحدی دلیل آن را صرف شهرت فتوایی بین اصحاب از قدیم تا حال می‌داند.<sup>۱</sup> با این حال وی قول مشهور را تقویت کرده، برای آن با چند مقدمه استدلال می‌آورد.

مقدمه اول: روایت های دال بر تضییق نماز جمعه، بیانگر وقت فضیلت نماز جمعه هستند. وی در اثبات این مقدمه به دو وجه تمسک می‌کند:

۱. مراد از تضییق چیست؟

مراد از تضییق، تضییق حقیقی نیست (به این معنا که همزمان با زوال وقت نماز جمعه آغاز شده و باید بدون فاصله آن را اقامه کرد) چون علم به زوال بعد از گذشت دقایقی از زوال حاصل می‌شود؛ در نتیجه تکلیف به آن، تکلیف به امری غیرممکن برای عامه مردم است و این تکلیف از حکیم صادر نمی‌شود.

هم‌چنان‌که مراد از تضییق، تضییق عرفی هم نیست؛ زیرا اولاً، ظاهر روایت‌ها بر خلاف آن است؛<sup>۲</sup> ثانیاً، استفاد از برخی روایت‌ها جواز تأخیر نماز جمعه است که با تضییق هرچند تضییق عرفی سازگار نیست؛ مانند صحیحہ عبد‌الله بن سنان که در آن از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که پیوسته نماز جمعه را بعد از رسیدن سایه شاخص به اندازه شراک (بند کفش) اقامه می‌کرده‌اند و این میزان تأخیر با مضیق بودن وقت نماز جمعه قابل جمع نیست.

۲. تضییق وقت نماز و بیان زوال به‌عنوان وقت نماز در روز جمعه فقط برای نماز جمعه بیان نشده است بلکه درباره نماز ظهر روز جمعه یا به تعبیر مکتوبه که هم نماز ظهر و هم نماز جمعه را شامل می‌شود نیز بیان شده است و چون روشن است نماز ظهر در روز جمعه وقتی مضیق ندارد با این تعبیرها نمی‌توان تضییق وقت جمعه را ثابت کرد.

بعد از بیان این دو وجه وی، روایت های تضییق را -که بیان‌کننده وقت نماز جمعه هنگام زوال است- حمل بر بیان وقت فضیلت نماز جمعه و عدم تأخیر وقت فضیلت از

۱. موسوی خوئی، موسوعة الامام الخوئی، ج ۱۱، ص ۱۳۷.

۲. وی نکته‌ای را برای این ظهور بیان نکرده است اما شاید نظر وی به تعلیق وقت نماز به زوال باشد و این‌که در روایت‌های بیان‌شده وقت نماز جمعه وقت زوال است.

ابتدای وقت به مقدار انجام نوافل می‌داند و می‌نویسد: «وقت فضیلت نماز روز جمعه، چه نماز جمعه و چه نماز ظهر، بر خلاف دیگر روزها از ابتدای زوال آغاز می‌شود».

مقدمه دوم: به علت عدم دلالت روایت‌های خاص باید به ادله بدلیت جمعه از ظهر رجوع کرد و اطلاق دلیل بدلیت، وقت را نیز شامل است؛ پس در نظر ابتدایی باید وقت جمعه را همان وقت ظهر دانست.

مقدمه سوم: اخذ به اطلاق بدلیت جایز نیست؛ زیرا:

۱. مشهور به آن فتوا نداده‌اند.
  ۲. تسالم اصحاب تقریباً بر خلاف آن است.
  ۳. شاید عدم امتداد تا غروب در ذهن متشرعه مرتکز باشد.
  ۴. در شریعت نه در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و نه بعد از آن، تأخیر نماز جمعه از ابتدای وقت با وجود اغراض برای تأخیر مانند سفر، مرض و ... معهود نیست. اگر تأخیر نماز جمعه جایز بود، باید هرچند در یک مورد اتفاق می‌افتاد و به‌طور طبیعی دست کم در یک روایت به آن اشاره می‌شد. با این اوصاف قطع پیدا می‌شود که وقت نماز جمعه و ظهر متحد نیست.
- مقدمه چهارم: باید اطلاق دلیل بدلیت را به قدر متیقن از تقیید، مقید کرد و قدر متیقن از تقیید، قول مشهور است.
- نتیجه این‌که وقت نماز جمعه تا رسیدن سایه شاخص به اندازه خود شاخص امتداد دارد.<sup>۱</sup>

#### بررسی

ادعای اجماع: رجوع به کتاب **متهی**، استظهار اجماع از کلام علامه رحمته الله علیه را به ابهام‌هایی جدی دچار می‌کند. وی می‌نویسد:

مسئله: وقت شرط نماز جمعه است و آن زوال خورشید تا هنگامی که سایه شاخص به اندازه‌اش گردد و این مذهب همه علمای ماست جز آنچه شیخ طوسی در خلاف از سیدمرتضی نقل کرده: در بین اصحاب ما بعضی قائلند به این‌که جایز است نماز فریضه در روز جمعه هنگام بلند شدن

۱. خوئی، موسوعه، ج ۱۱، ص ۱۴۶-۱۴۷.



آفتاب ادا شود و این قول سیدمرتضی است. قول مختار ما همان قول اکثر اهل علم است.<sup>۱</sup>

وی در ابتدای مسئله، نظر خویش را به تمام عالمان به جز سیدمرتضی علیه السلام - که مطابق نقل شیخ علیه السلام اقامه نماز جمعه پیش از زوال را جایز می‌دانند - نسبت می‌دهند. در دو سطر بعد نیز مختار خویش را قول اکثر اهل علم می‌دانند. دو نکته مبعداً ادعای اجماع از طرف وی است:

نکته اول: اگر وی مدعی اجماع باشند، عبارت منتهی دچار تناقض است؛ زیرا در ابتدا این قول به اجماع غیر از سیدمرتضی علیه السلام نسبت داده شده و در انتها، قول اکثر اهل علم دانسته شده است.

نکته دوم: وی در ادامه فقط به بررسی ادله ابتدای نماز جمعه می‌پردازد و اقوال و ادله برخی از عامه را - که خواندن نماز جمعه را پیش از زوال جایز می‌داند - بررسی و رد می‌کند و هیچ سخنی از انتهای وقت نماز جمعه و ادله آن به میان نمی‌آورد. فقط در دلیلی که برای ابتدای وقت نماز جمعه بیان می‌کند، می‌نویسد:

و به این دلیل که این دو نماز در وقت واحد هستند و اتحاد وقت دارند؛ مانند نماز تمام و نماز قصر و به دلیل این که نماز جمعه بدل است و به مبدل شباهت دارد و به این دلیل که آخر وقت این دو نماز واحد است؛ پس اول آن دو هم واحد است؛ مثل نماز حاضر و نماز مسافر.<sup>۲</sup>

وی در این دلیل، آخر وقت جمعه و ظهر را واحد و آن را دلیل بر وحدت در ابتدای وقت می‌داند. اگر علامه علیه السلام در این مسئله در پی بررسی آخر وقت جمعه بود، باید دست کم به یکی از ادله آن اشاره می‌کرد و آخر وقت جمعه را مفروض و مقدمه برای دلیل اول وقت قرار نمی‌داد. تمام این نکته‌ها سبب می‌شود در استظهار اجماع از کلام وی خدشه وارد شود.

به نظر می‌رسد علامه علیه السلام برای ابتدای وقت ادعای اجماع کرده و مختار خویش در

۱. علامه حلی، منتهی المطلب، ج ۵، ص ۳۴۵.

۲. همان، ج ۵، ص ۳۴۶.

انتهای وقت را به اکثر اهل علم نسبت می دهند و از بررسی ادله قول مختار در انتهای وقت در این مسئله صرف نظر می کنند.

**استدلال محقق خویی** رحمته الله علیه: آنچه در کلام محقق خویی رحمته الله علیه عجیب است، منحصر دانستن روایت های دال بر تضییق در روایت هایی است که وقت نماز جمعه را وقت زوال بیان کرده و در توجیه این روایت ها کوشیده است؛ در حالی که در بررسی ادله تضییق بیان شده، چهار دسته روایت ها می توانند بیان کننده تضییق باشند که فقط دسته سوم، روایت های مورد اشاره محقق خویی رحمته الله علیه است که استدلال به آن ها برای اثبات تضییق به نظر ناتمام است اما ظهور دسته دوم که یا وقت نماز جمعه را مضیق بیان کرده است یا فعل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را نیز در این باره نقل می کند، به هیچ وجه قابل انکار نیست؛ در نتیجه مقدمه اول استدلال محقق خویی رحمته الله علیه ناتمام است و نمی توان به ادله بدلیت و تقیید آن به قدر متیقن تمسک کرد.

نکته دیگری که در کلام محقق خویی رحمته الله علیه مبهم است، چگونگی ظهور روایت ها تضییق، در تضییق حقیقی و نیز چگونگی تعارض صحیحه عبدالله بن سنان که وقت نماز جمعه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را رسیدن سایه به اندازه بند کفش دانسته، با تضییق عرفی است؛ زیرا وی نیز پذیرفته است روایت های که وقت نماز جمعه را وقت زوال دانسته اند، فقط برای بیان وقت فضیلت است و این که در روز جمعه وقت فضیلت بدون فاصله بعد از زوال شروع می شود و مانند روزهای دیگر وقت نوافل بعد از زوال و پیش از نماز نیست. صحیحه عبدالله بن سنان نیز به هیچ وجه با تضییق عرفی تنافی ندارد؛ زیرا همان گونه که بیان شد مراد از رسیدن سایه به اندازه بند کفش، کنایه از کمترین زمانی است که به واسطه آن علم به زوال حاصل می شود و این بیانی دیگر از تضییق عرفی است نه نفی کننده آن.

#### ۴. وقت به میزان امتداد به میزان وقت ظهر

شهید اول رحمته الله علیه در جایگاه نخستین فقهی که بر این قول استدلال کرده است، به بدلیت و اصالةالبقاء به عنوان ادله آن اشاره می کند.<sup>۱</sup>

تقریب بدلیت:

۱. شهید اول، ذکری الشیعة، ج ۴، ص ۱۳۳.

مقدمه اول: نماز جمعه بدل و جایگزین نماز ظهر است.

مقدمه دوم: روایت‌هایی که زمان نماز جمعه را مضیق بیان کرده است، حمل بر بیان وقت فضیلت می‌شود.

مقدمه سوم: اطلاق بدلیت وقت را نیز شامل است.

نتیجه این‌که وقت نماز جمعه مانند وقت نماز ظهر است.

#### تقریب اصالة البقاء

مقدمه اول: روایت‌هایی که زمان نماز جمعه را مضیق بیان کرده است، حمل بر بیان وقت فضیلت می‌شود.

مقدمه دوم: هنگام زوال زمان نماز جمعه است.

مقدمه سوم: با شک در انتهای زمان نماز جمعه با فاصله‌انداختن از زوال، بعد از قدمین و رسیدن سایه به اندازه صاحب سایه بقای وقت را استصحاب می‌کنیم.

نتیجه این‌که وقت نماز جمعه تا یقین به اتمام - که همان انتهای وقت نماز ظهر است - ادامه دارد.

#### بررسی

بدلیت: تقریب بدلیت فی نفسه مورد پذیرش است؛ اما با توجه به روایت‌های متعددی که دال بر تضییق است همچنین ضمیمه کردن سیره‌ای که محقق خویی رحمته الله گفت، تمسک به اطلاق بدلیت صحیح نیست.

اصالة البقاء: استصحاب نیز اصلی عملی است که در صورت نبود دلیل اجتهادی می‌توان به آن تمسک کرد و در بحث ما دلیل اجتهادی بر تضییق وجود دارد.

#### ۵. وقت به میزان تا رسیدن سایه به دو قدم

مجلسی اول رحمته الله در روضة المتقین دلیل قول مختار خود را جمع بین روایت‌های متعددی که وقت نماز جمعه را مضیق دانسته و روایت‌های دیگری که وقت نماز عصر در روز جمعه را وقت نماز ظهر در روزهای دیگر بیان کرده است، می‌دانند.

تقریب بیان مجلسی اول:

مقدمه اول: به حکم روایت‌ها متعدد، وقت نماز جمعه مضیق است.  
مقدمه دوم: در غیر روز جمعه، ابتدای وقت فضیلت نماز ظهر - به علت انجام نوافل بعد از زوال - رسیدن سایه شاخص به دو قدم است.  
مقدمه سوم: همین وقت در روز جمعه به حکم برخی از روایت‌ها صحیحه، متعلق به نماز عصر است.

نتیجه این‌که انتهای وقت نماز جمعه، رسیدن سایه شاخص به دو قدم است.<sup>۱</sup>  
روایت‌هایی که وقت نماز جمعه را مضیق دانسته است، در بررسی دلیل قول *ابی‌الصلاح* بیان شد. روایت‌هایی که وقت نماز عصر در روز جمعه را وقت نماز ظهر در روزهای دیگر می‌دانند نیز در همان بحث تحت عنوان صحیحه زراره، *عبدالله بن مسکان* و *حلبی* مطرح شد.<sup>۲</sup>

#### بررسی

دو اشکال عمده به کلام *مجلسی اول* رحمته‌الله و *پیروان* وی وارد است:

۱. نهایت مطلبی که این روایت‌ها ثابت می‌کند، بیان آغاز وقت فضیلت نماز عصر در روز جمعه است و این‌که در روزهای دیگر آغاز وقت فضیلت نماز عصر چهار قدم است و در روز جمعه این زمان به دو قدم تقلیل پیدا می‌کند؛ اما هیچ‌یک از این روایت‌ها ظهور ندارند که با شروع وقت فضیلت نماز عصر در روز جمعه، وقت اجزای نماز جمعه نیز پایان می‌یابد. بلکه شاید بتوان ظهور در پایان وقت فضیلت نماز جمعه را پذیرفت.

۲. وقت فضیلت نماز ظهر در روزهای دیگر و وقت اتمام نوافل، مورد اختلاف است. به مشهور نسبت داده شده که آغاز وقت فضیلت نماز ظهر زوال خورشید است؛<sup>۳</sup> پس این روایت‌ها در نظر مشهور به این معناست که مکلف بعد از اتمام نماز جمعه بلافاصله نماز عصر را بخواند و منتظر رسیدن سایه شاخص به اندازه مثل - که در نظر وی ابتدای وقت فضیلت نماز عصر در روزهای دیگر است<sup>۴</sup> - نماند.

۱. مجلسی اول، *روضه‌المتقین*، ج ۲، ص ۷۴.

۲. طوسی، *تهذیب*، ج ۳، ص ۱۳؛ *حرّ عاملی*، وسائل، ج ۷، ص ۳۱۶؛ *صدوق*، *الفتیحه*، ج ۱، ص ۴۱۶؛ *حرّ عاملی*، وسائل، ج ۷، ص ۳۱۸.

۳. *خوبی*، *موسوعه*، ج ۱۱، ص ۱۴۷.

۴. *طباطبایی*، *العروة الوثقی*، ج ۱، ص ۵۱۸.

## جمع بندی و نتیجه گیری

اول وقت نماز جمعه زوال خورشید است و با توجه به روایت های متعددی که وقت نماز جمعه را مضیق بیان کرده اند و همچنین سیره - که در فعل پیامبر اکرم ﷺ و امیر مؤمنان ﷺ هیچ گاه نماز جمعه از زوال تأخیر نیفتاده است و اگر تأخیر مانند جمع بین نماز ظهر و عصر جایز بود، باید هر چند یک بار صورت می گرفت - باید قائل به تضیق وقت نماز جمعه شد.

از سوی دیگر هیچ یک از تضییقاتی که برای نماز جمعه بیان شده است، شاهد واضحی ندارد.

در نتیجه تعیین مصداق تضیق به عرف و گذار شده است و نماز جمعه باید عرفاً در ابتدای وقت و بدون تأخیر و تطویل غیر عادی در شروع و در اتمام، اقامه شود.

## منابع و مأخذ

۱. ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد، النهاية فی غریب الحدیث و الأثر، قم: [بی نا]، چ ۴، ۱۳۶۷.
۲. ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند أحمد بن حنبل، تحقیق: السید أبو المعاطی النوری، بیروت: عالم الکتب، چ ۱، ۱۴۱۹ ق.
۳. اراکی، محمد علی، المسائل الواضحة، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چ ۱، ۱۴۱۴ ق.
۴. اردبیلی، احمد بن محمد، مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چ ۱، ۱۴۰۳ ق.
۵. بحرانی (آل عصفور)، یوسف بن احمد بن ابراهیم، الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چ ۱، ۱۴۰۵ ق.
۶. برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، قم: دار الکتب الإسلامية، چ ۲، ۱۳۷۱ ق.
۷. بستانی، فؤاد افرام، فرهنگ ابجدی، ترجمه: رضا مهیار، تهران: انتشارات اسلامی، چ ۲، ۱۳۷۵.
۸. حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، قم: مؤسسه آل البیت ﷺ، چ ۱، ۱۴۰۹ ق.
۹. حلبی، ابن ابی المجد، علی بن حسن، إشارة السبق إلى معرفة الحق، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چ ۱، ۱۴۰۹ ق.

- ۱، ۱۴۱۴ ق.
۱۰. حلبی، تقی‌الدین بن نجم‌الدین، أبو‌الصلاح، الکافی فی الفقه، اصفهان: کتابخانه عمومی امام امیر مؤمنان علیه السلام، ج ۱، ۱۴۰۳ ق.
۱۱. حلبی، حمزه بن علی حسینی، ابن زهره، غنیة النزوع إلى علمی الأصول و الفروع، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام، ج ۱، ۱۴۱۷ ق.
۱۲. حلبی، ابن ادريس، محمد بن منصور بن احمد، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ج ۲، ۱۴۱۰ ق.
۱۳. حلبی، شمس‌الدین محمد بن شجاع القطان، معالم‌الدین فی فقه آل یاسین، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام، ج ۱، ۱۴۲۴ ق.
۱۴. روحانی قمی، سید صادق، فقه الصادق علیه السلام، قم: دار‌الکتاب - مدرسه امام صادق علیه السلام، ج ۱، ۱۴۱۲ ق.
۱۵. زنجانی شبیری، سید موسی، کتاب نکاح، قم: مؤسسه پژوهشی رای‌پرداز، ج ۱، ۱۴۱۹ ق.
۱۶. شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، المقنعة، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید علیه السلام، ج ۱، ۱۴۱۳ ق.
۱۷. صدوق اول، علی بن بابویه، مجموعه فتاوی ابن بابویه، جامع: عبدالرحیم بروجردی، تحقیق: علی پناه اشتهدادی، قم: چاپخانه اخلاص، ج ۱، ۱۴۰۶ ق.
۱۸. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، الأمالی، تهران: کتابچی، ج ۶، ۱۳۷۶.
۱۹. ——— المقنعة، قم: مؤسسه امام هادی علیه السلام، ج ۱، ۱۴۱۵ ق.
۲۰. ——— عیون أخبار الرضا علیه السلام، تحقیق: مهدی لاجوردی، تهران: نشر جهان، ج ۱، ۱۳۷۸ ق.
۲۱. ——— من لا یحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ج ۲، ۱۴۱۳ ق.
۲۲. طباطبایی حائری، سید علی بن محمد، ریاض المسائل، قم: مؤسسه آل‌البتیت علیه السلام، ج ۱، ۱۴۱۸ ق.
۲۳. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، العروة الوثقی، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ج ۲، ۱۴۰۹ ق.
۲۴. طوسی، محمد بن حسن، الخلاف، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ج ۱، ۱۴۰۷ ق.
۲۵. ——— المبسوط فی فقه الإمامیة، تهران: المكتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة، ج ۳، ۱۳۸۷ ق.

٢٦. ————— النهاية في مجرد الفقه و الفتاوى، بيروت: دار الكتاب العربي، ج ٢، ١٤٠٠ ق.
٢٧. ————— تهذيب الأحكام، تهران: دار الكتب الإسلامية، ج ٤، ١٤٠٧ ق.
٢٨. ————— رجال الطوسي، محقق: جواد قيومي اصفهاني، قم: دفتر انتشارات اسلامي، ج ٣، ١٤٢٧ ق.
٢٩. ————— فهرست كتب الشيعة و أصولهم و أسماء المصنفين و أصحاب الأصول، نجف: المكتبة الرضوية، ج ١، [بى تا].
٣٠. ————— مصباح المتجهذ، بيروت: مؤسسة فقه الشيعة، ج ١، ١٤١١ ق.
٣١. طوسي، محمد بن علي بن حمزه، الوسيلة إلى نيل الفضيلة، قم: كتابخانه آيت الله مرعشى نجفى رحمته، ج ١، ١٤٠٨ ق.
٣٢. عاملی (شهيد اول)، محمد بن مكي، البيان، قم: محقق، ج ١، ١٤١٢ ق.
٣٣. ————— الدروس الشرعية في فقه الإمامية، قم: دفتر انتشارات اسلامي، ج ٢، ١٤١٧ ق.
٣٤. ————— ذكرى الشيعة في أحكام الشريعة، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ج ١، ١٤١٩ ق.
٣٥. عاملی (شهيد ثانی)، زين الدين بن علي، الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية، حاشية: سيد محمد كلانتر، قم: كتابفروشى داوری، ج ١، ١٤١٠ ق.
٣٦. ————— مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام، قم: مؤسسة المعارف الإسلامية، ج ١، ١٤١٣ ق.
٣٧. عاملی (شيخ بهایی)، بهاء الدين، جامع عباسی و تکميل آن، تکميل: نظام بن حسين، محمد بن حسين و ساوجی، تهران: مؤسسة منشورات الفراهانی، ج ١، [بى تا].
٣٨. عاملی، سيد جواد بن محمد، مفتاح الكرامة في شرح قواعد العلامة، قم: دفتر انتشارات اسلامي، ج ١، ١٤١٩ ق.
٣٩. عاملی، محمد بن علي، مدارك الأحكام في شرح عبادات شرائع الإسلام، بيروت: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ج ١، ١٤١١ ق.
٤٠. علامه حلي، حسن بن يوسف بن مطهر اسدي، تذكرة الفقهاء، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ج ١، [بى تا].
٤١. ————— منتهى المطلب في تحقيق المذهب، مشهد: مجمع البحوث الإسلامية، ج ١، ١٤١٢ ق.

تأليف

وقت شرعی نماز جمعه

٤٢. — نهاية الأحكام في معرفة الأحكام، قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام، ج ١، ١٤١٩ ق.
٤٣. علم الهدى، شريف مرتضى على بن حسين، جمل العلم و العمل، نجف: مطبعة الآداب، ج ١، ١٣٨٧ ق.
٤٤. عمانى، حسن بن على بن ابى عقيل، حياة ابن أبى عقيل و فقهه، قم: مركز المعجم الفقهي، ج ١، ١٤١٣ ق.
٤٥. فيومى، احمد بن محمد، المصباح المنير فى غريب الشرح الكبير للرافعى، قم: منشورات دار الرضى، ج ١، [بى تا].
٤٦. كاشف الغطاء، جعفر بن خضر مالكى، كشف الغطاء عن مبهمات الشريعة الغراء، قم: انتشارات دفتر تبليغات اسلامى حوزه علميه قم، ج ١، ١٤٢٢ ق.
٤٧. كركى عاملى (محقق ثانى)، على بن حسين، جامع المقاصد فى شرح القواعد، قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام، ج ٢، ١٤١٤ ق.
٤٨. كلينى، محمد بن يعقوب، الكافى، تهران: دار الكتب الإسلامية، ج ٤، ١٤٠٧ ق.
٤٩. كيدرى، قطب الدين محمد بن حسين، إصباح الشيعة بمصباح الشريعة، قم: مؤسسه امام صادق عليه السلام، ج ١، ١٤١٦ ق.
٥٠. مجلسى اول، محمد تقى، روضة المتقين فى شرح من لا يحضره الفقيه، قم: مؤسسه فرهنگى اسلامى كوشانپور، ج ٢، ١٤٠٦ ق.
٥١. — لوامع صاحبقرانى، قم: مؤسسه اسماعيليان، ج ٢، ١٤١٤ ق.
٥٢. مجلسى، محمد باقر بن محمد تقى، بحار الأنوار الجامعه لدرر اخبار الأئمه الأطهار عليهم السلام، بيروت: مؤسسة الطبع و النشر، ج ١، ١٤١٠ ق.
٥٣. — مرآة العقول فى شرح أخبار آل الرسول عليه السلام، تهران: دار الكتب الإسلامية، ج ٢، ١٤٠٤ ق.
٥٤. — ملاذ الأخيار فى فهم تهذيب الأخبار، قم: كتابخانه آيت الله مرعشى نجفى عليه السلام، ج ١، ١٤٠٦ ق.
٥٥. محقق حلى، جعفر بن حسن نجم الدين، المعتبر فى شرح المختصر، قم: مؤسسه سيد الشهداء عليه السلام، ج ١، ١٤٠٧ ق.
٥٥. — تحرير الأحكام الشرعية على مذهب الإمامية، قم: مؤسسه امام صادق عليه السلام، ج ١، ١٤٢٠ ق.



ق.

۵۷. — شرايع الإسلام في مسائل الحلال و الحرام، قم: مؤسسه اسماعيليان، چ ۲، ۱۴۰۸ ق.
۵۸. محقق سبزواری، محمدباقر بن محمد، ذخيرة المعاد في شرح الإرشاد، قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام، چ ۱، ۱۲۴۷ ق.
۵۹. — كفاية الأحكام، اصفهان: انتشارات مهدي، چ ۱، [بی تا].
۶۰. منسوب به امام رضا عليه السلام، علي بن موسى عليه السلام، الفقه - فقه الرضا عليه السلام، مشهد: مؤسسه آل البيت عليه السلام، چ ۱، ۱۴۰۶ ق.
۶۱. موسوی خمینی، سيدروح الله، تحرير الوسيلة، قم: مؤسسه مطبوعات دار العلم، چ ۱، [بی تا].
۶۲. موسوی خویی، سيدابوالقاسم، موسوعة الإمام الخويي، قم: مؤسسه إحياء آثار الإمام الخويي عليه السلام، چ ۱، ۱۴۱۸ ق.
۶۳. ميرزای قمی، ابوالقاسم بن محمدحسن، غنائم الأيام في مسائل الحلال و الحرام، قم: انتشارات دفتر تبليغات اسلامي حوزه علميه قم، چ ۱، ۱۴۱۷ ق.
۶۴. نراقی، احمد بن محمد مهدي، مستند الشيعة في أحكام الشريعة، قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام، چ ۱، ۱۴۱۵ ق.

تاجتاد

